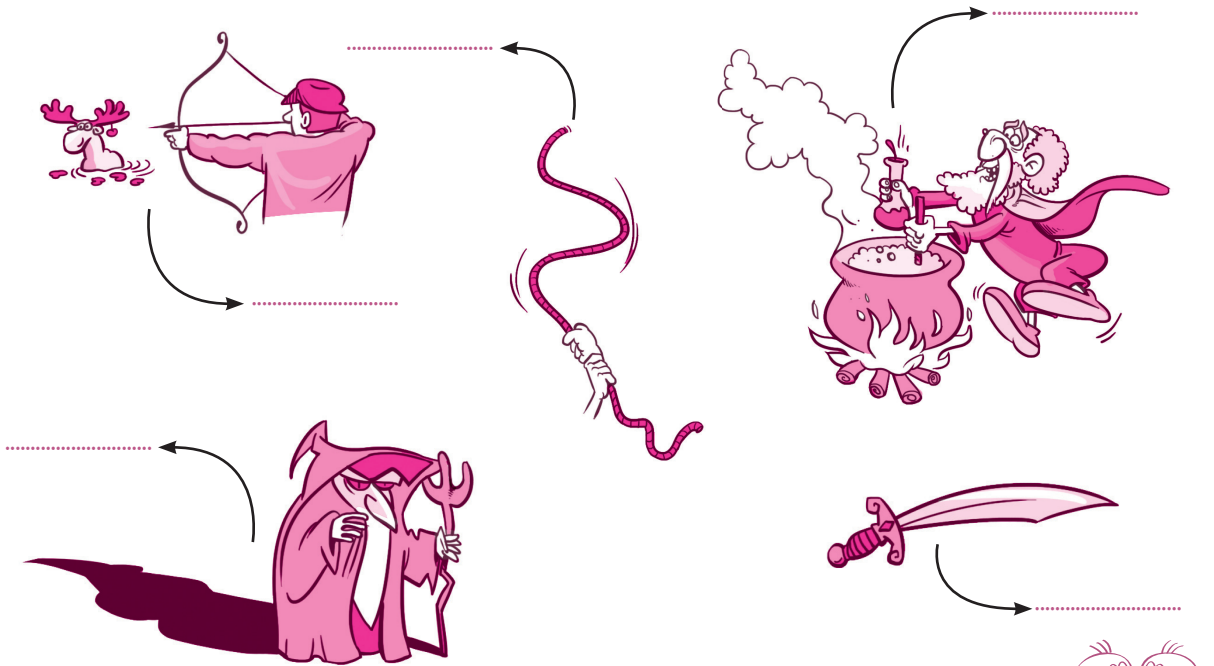


هفت خان رستم

۱- کنار هر تصویر، واژه‌ای مناسب از میان واژه‌های زیر بنویس. (یک واژه اضافه است!)

«اهریمن - تیغ - جادو - دستگاه - کمند - نخجیر»



۲- بیت‌های زیر را خوب بگرد و برای هر کدام از واژه‌های زیر یک «هم‌معنی» پیدا کن و روبه‌روی آن بنویس.

..... = شکار

..... = شکوه؛ قدرت

..... = فریب

..... = پهلوانِ دلیر

که او راست^۳ بر نیک و بد دستگاه

۱. ز هر بد به دادار^۱ کیهان، پناه^۲

همیشه به جنگ اندرون نامدار

۲. زنی بود برسان^۴ گردی سوار

سپهبد^۵ ز نخجیر برگشت، نرم

۳. ز خورشید تابنده شد دشت گرم

که: تا چند از این بیم و نیرنگ و بند؟

۴. چنین گفت رستم به پولادوند^۶

۱- دادار = خداوند؛ روزی دهند

۲- پناه = پناه ببر

۳- او راست = برای اوست

۴- برسان = مانند

۵- سپهبد = سپاه‌سالار، پهلوان سپاه

۶- پولادوند = از پهلوانان شاهنامه

۳- هر عبارت سمت راست را به معنایش در سمت چپ وصل کن. (دو مورد از ستون سمت چپ اضافه است!)

- | | |
|---|---|
| <input type="radio"/> از دست دادن طاقت و تحمل | <input type="radio"/> ۱. از پای در آوردن |
| <input type="radio"/> به پایان رساندن | <input type="radio"/> ۲. تیمار کردن |
| <input type="radio"/> گشتن | <input type="radio"/> ۳. به فرجام بردن |
| <input type="radio"/> از پس کار دشوار بر آمدن | <input type="radio"/> ۴. به تنگ آمدن |
| <input type="radio"/> مراقبت کردن | <input type="radio"/> ۵. پر خاش کردن |
| <input type="radio"/> کاری را وارونه انجام دادن | <input type="radio"/> ۶. از هفت خان گذشتن |
| <input type="radio"/> جابه‌جا کردن | |
| <input type="radio"/> تندى کردن | |

۴- خوب هوش و حواسّت را جمع کن و بنویس در هر بیت یا جمله، منظور از بخشی که زیر آن خط کشیده شده، چیست؟

۱. چو رستم بدیدش برانگیخت اسب بدو تاخت مانند آذرگشسب

.....

۲. از آن پس نهاد از بر خاک، سر چنین گفت: کای داور دادگر!

.....

۳. چون رستم به خواب می‌رود، اژدها خود را به رخس می‌نمایند.

.....

۴. در خان اول، رخس به تنهایی شیر را از هم می‌درد.

.....

۵- معنای درست هر واژه را از بین گزینه‌ها انتخاب کن و دور آن خط بکش.



۱. فرجام ← پایان - انجام

۲. پیکار ← گریز - ستیز

(آزمون املا - منطقه ۶ شهر تهران - فرورداد ۹۲)



۶- جمله‌هایی را که فعل‌های «هم‌معنا» دارند پیدا کن و در جای خالی کنار آن‌ها، شماره‌های یکسان بنویس. (یک جمله اضافه است؛ گول نخوری!)

۱. (.....) رستم در چشمه شست‌وشو می‌کند، آن‌گاه با خدای خود به راز و نیاز می‌پردازد.
۲. (.....) در خان ششم، رستم به کمک اولاد بر ارژنگ‌دیو چیره می‌شود.
۳. (.....) رستم به کمک اسب خود، رخس، با شیر و اژدها پیکار می‌کند.
۴. (.....) در خان پنجم، رستم با پهلوانی به نام «اولاد» رویاروی می‌شود.
۵. (.....) در پایان هفت‌خان، رستم بار دیگر خداوند را عبادت می‌کند.
۶. (.....) در خان هفتم، رستم با بزرگ دیوان مازندران یعنی «دیو سپید» به جنگ می‌پردازد.
۷. (.....) سرانجام رستم توانست به یاری خداوند در هفت‌خان پیروز شود.

۷- واژه‌ها و عبارت‌های مناسبی پیدا کن و معنای بیت‌ها و جمله‌های زیر را با آن‌ها کامل کن.

۱. بینداخت چون باد، خمّ کمند
رستم مانند بار، را پر تاب کرد و ، سر را در اختیار گرفت.
۲. ز هر بد تویی بندگان را پناه
در هر کار سفت و دشواری ، فراوندا تو به من
۳. ز بهر نیایش سر و تن بشست
..... عبارت فراونر، شست‌وشو کرد و سپس در برابر فراونر جهان‌آفرین
۴. در خان اول، شیری قوی پنجه به او و اسبش حمله می‌کند.
در خان اول، شیری به او و اسبش حمله‌ور می‌شود.
۵. پس از کمی گفت‌وگو، رستم به حيله گری او پی می‌برد و برای چیرگی بر او، از خدا یاری می‌خواهد.
بعد از کمی صحبت، رستم و برای از خدا کمک می‌خواهد.

در این درس می‌آموزیم:

گاهی در نوشته‌های ادبی، برخی واژه‌ها مانند هم «نوشته» یا «خوانده» می‌شوند؛ اما معنای متفاوتی دارند. هنگام خواندن متن‌های فارسی، به ویژه متن‌های کهن، حتماً باید به معنای گوناگون واژه‌هایی که یکسان نوشته و خوانده می‌شوند، دقت کنیم.

۸- با توجه به معناهای گوناگون واژه‌ها، جدول زیر را کامل کن.

واژه	کاربرد واژه در متن	معنای واژه
بر	بزد تیغ و بنداخت از <u>بر</u> ، سرش	فروریخت چون رود، خون از برش
	از آن پس نهاد از <u>بر</u> خاک، سر	چنین گفت: کای داور دادگر!
راهی	پهلوان، سوار بر رخس از زابلستان <u>راهی</u> مازندران می‌شود.	
	رستم، بیابانی سخت و <u>راهی</u> دراز را پشت سر نهاده و خسته و تشنه است.	
خان	رستم پس از پشت سر گذاشتن هفت <u>خان</u> ، یارانش را از بند دیوان نجات می‌دهد.	
	داشت عباسقلی <u>خان</u> پسری	پسر بی‌ادب و بی‌هنری
دیوان	جهان‌آفریننده یار من است	سر <u>تَرَه</u> <u>دیوان</u> شکار من است
	شعرش را همان روز در <u>دیوان</u> انوری ^۱ یافتند.	

جای خالی

(آزمون املا - منطقه‌ی ۱۰ و ۱۱ شهر تهران - فرورداد ۹۳)

۹- با توجه به هر جمله، جاهای خالی را پر کن.

۱. رستم با خدای خود به راز و نیاز می‌پردازد و او را سپاس

۲. رستم در خشم می‌شود و به رخس می‌کند.



۱۰- جمله و بیت‌های زیر را به نثر روان و امروزی بازگردانی کن و در جای خالی بنویس.

۱. میانش به خنجر به دو نیم کرد / دل جادوان زو پر از بیم کرد

۲. سر و گوش بگرفت و یالش دلیر / سر از تن بکندهش به کردار شیر

۳. بزد تیغ و بنداخت از بر، سرش / فروریخت چون رود، خون از برش

۴. رستم رخس را تیمار می‌کند و پس از نخجیر به خواب می‌رود.

۱- انوری = یکی از شاعران معروف که در قرن ششم زندگی می‌کرد.

۱۱- از میان واژه‌های زیر، واژه‌های «هم‌خانواده» را پیدا کن و کنار هم بنویس. (از بین این واژه‌ها، دو واژه با واژه‌های دیگر هم‌خانواده نیستند؛ یعنی اضافی هستند!)

مقصود	انعکاس	انتظار	قصد	مختلف	عکس	صدقه	منظره	تحرک
مقاصد	اختلاف	منتظر	کاسه	حرکت	معکوس	تخلف	محرک	خلاف

.....

.....

.....

در این درس می‌آموزیم:

درست مانند یک نقاش هنرمند که برای زیبایی بیشتر نقاشی‌اش، ممکن است از طرح‌ها یا رنگ‌های هنرمندانه‌ی ویژه‌ای استفاده کند، گاهی نویسندگان یا شاعران هم برای آن‌که نوشته یا سروده‌شان را زیباتر کنند، شگردهای زبانی ویژه‌ای را به کار می‌برند؛ مانند «مبالغه» یا «کنایه». این شگردها را اصطلاحاً «آرایه‌های ادبی» می‌گویند. آرایه‌ی ادبی یعنی «زیباکننده و آرایش‌دهنده‌ی ادبی». شما در سال‌های دانش‌آموزی، کم‌کم آرایه‌های ادبی گوناگونی را می‌آموزید؛ پس خودتان را حسابی آماده کنید!



«مبالغه» آن است که شاعر یا نویسنده برای افزایش تأثیرگذاری و قدرت سخنش، موضوعی را فراتر از آنچه هست نشان دهد و بزرگ‌نمایی کند. به‌جز شاعران و نویسندگان، خود ما هم بسیاری از اوقات در زندگی روزانه‌مان از مبالغه استفاده می‌کنیم. به کار بردن «مبالغه» در شعر و نثر، مثل کشیدن کاریکاتور است توسط یک نقاش!



۱۲- در اینجا چند بیت و جمله می‌بینی که در آن‌ها «مبالغه» به کار رفته‌است. در هر نمونه مشخص کن که در کدام بخش از جمله یا بیت، مبالغه دیده می‌شود و بنویس که درباره‌ی چه چیزی مبالغه شده‌است.

۱. که گفتت برو دست رستم ببند؟ نبندد مرا دست، چرخ^۱ بلند!

.....

۲. باد بهاری وزید از طرف مرغزار باز به گردون رسید ناله‌ی هر مرغ زار

.....

۳. بگذار تا بگریم چون^۳ ابر در بهاران کز سنگ ناله خیزد روز وداع^۴ یاران

.....

۴. بچه جان چه خبرت شده؟ چرا این قدر داد و فریاد می‌کنی؟ گوشم کر شد از بس جیغ کشیدی!

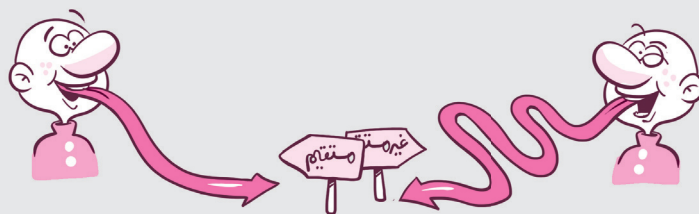
.....

۵. بزخم به تخته، پسر آن قدر سریع می‌دود که می‌تواند از ماشین‌ها هم سبقت بگیرد!

.....

درباره‌ی آموزیجک:

گاهی شاعر یا نویسنده یا حتی خودمان، در سخن عبارتی را به کار می‌بریم که در ظاهر یک معنای نخستین و ظاهری دارد که به آن «معنای نزدیک» می‌گویند. از سوی دیگر، همین عبارت معنای دیگری هم می‌دهد که «معنای دور» آن است. مثلاً عبارت «رنگش پرید» یک معنای ظاهری و نزدیک دارد که: «رنگ چهره‌ی او تغییر کرد و رو به سفیدی رفت». از طرفی همین عبارت یک معنای دور هم دارد که یعنی: «او ترسید». به کار بردن چنین عبارت‌هایی و به صورت غیرمستقیم صحبت کردن را «کنایه» می‌گویند.



۱- که = چه کسی

۲- چرخ = آسمان (معنی مصراع: حتی آسمان هم نمی‌تواند دست مرا ببندد!)

۳- چون = مانند؛ مثل

۴- وداع = خداحافظی



۱۳- معنای دور (معنای کنایی) هر کدام از عبارت‌های زیر را روبه‌روی آن در جدول بنویس.

عبارت	معنای دور
هنوز دهانش بوی شیر می‌دهد.	
دوباره چه دسته‌گلی به آب دادی؟	
همین‌جا بمان تا آب‌ها از آسیاب بیفتند.	
گوشه‌ی حیاط نشسته و دارد آبغوره می‌گیرد.	
تا مرا دید، دست و پایش را گم کرد.	



۱۴- در هر بیت، بخشی که زیر آن خط کشیده شده‌است، «کنایه» از چیست؟ (همه‌ی این بیت‌ها از داستان

«هفت‌خان رستم» انتخاب شده‌است.)

جهان دید بر شیر، تاریک و تنگ (خان اول)

۱. چو بیدار شد رستم تیز چنگ

بر آشت و رخسارگان^۱ کرد زرد (خان سوم)

۲. دگر باره بیدار شد خفته‌مرد

بیامد پر از کینه و جنگ سر (خان هفتم)

۳. وز آن جایگه تنگ بسته کمر



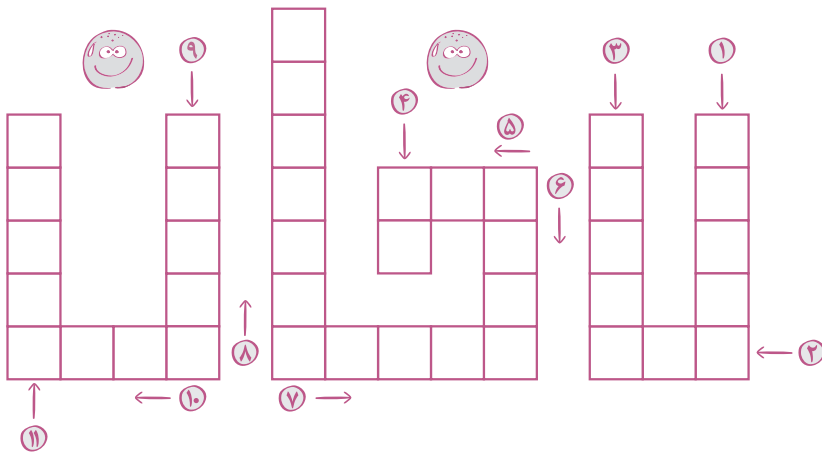
۱۵- در جمله‌ی زیر چند غلط املائی وجود دارد. آن‌ها را پیدا کن و درستشان را در جای خالی بنویس.

(آزمون املا - منطقه‌ی ۷ شهر تهران - فروردار ۹۲)

«هفت‌خان، نام هفت مرحله از نبردهای رستم با نیروهای احریمنی و گزشتن از دشواری‌ها است.»

۱- رخسارگان: گونه‌ها؛ چهره؛ لُب (۱)

۱۶- پرسش‌های جدول را در زیر می‌بینی. خب معطل چی هستی؟! پُرش کن دیگه!



۱. مراقبت از اسب

۲. صدای آشکار و واضح که به همه می‌رسد.

۳. موجودی که رستم در خان سوم با آن روبه‌رو شد.

۴. اسب برای راه‌رفتن از آن استفاده می‌کند.

۵. هم‌خانواده‌ی «مدرسه»

۶. شیر به رستم و اسبش حمله کرد و رخس، شیر را از هم

۷. پهلوانی که در گذر از هفت‌خان رستم را یاری کرد.

۸. آتش تندوتیز و جهنده

۹. یکی از دیوهایی که رستم در هفت‌خان با او جنگید.

۱۰. مترادف «پهلوانی»

۱۱. خداوند یکتا

۱۷- با توجه به معنای جمله، گزینه‌ی درست را انتخاب کن و دور آن خط بکش.



(آزمون املا - منطقه‌ی ۱۵ شهر تهران - فرورداد ۹۲)

۱. همواره باید (سپاس‌گزار / سپاس‌گذار) نعمت‌های خداوند باشیم.

(آزمون املا - منطقه‌ی ۱۵ شهر تهران - فرورداد ۹۲)

۲. نوشته‌ی غیر شعر را (نصر / نثر) می‌گویند.

۳. رستم به کمک رخس با (اژده‌ها / اژدها) نبرد می‌کند.

۴. رخس می‌کوشد تا با (کوفتن / کفتن) سم بر زمین، رستم را آگاه کند.

۱۸- هر یک از واژه‌های ستون سمت راست جدول را با توجه به معنای نوشته‌شده، با «گزار» یا «گذار» ترکیب کن و در ستون سمت چپ جدول بنویس.

بخش اول	معنای واژه	املای درست واژه‌ی نهایی (با توجه به معنای گزاردن و گذاردن)
گشت و	گردش کردن	
سپاس	تشکر کننده	
بنیان	مؤسس	
بر	اجراکننده	
شکر	شکر کننده	
نماز	نماز خوان	
پایه	آغازگر	

در این درس می‌آموزیم که:

«گزاردن» و شکل‌های دیگر آن، معمولاً به معنای «آداکردن» و «به‌جا آوردن» به کار می‌رود. در برابر آن، «گذاردن» یا «گذاشتن» و شکل‌های گوناگون آن‌ها، معنای «قراردادن» می‌دهند. هنگام نوشتن واژه‌هایی که در آن‌ها «گزاردن» یا «گذاردن» و شکل‌های دیگرشان به کار رفته، باید دقت کنیم و به کمک معنا، املای درست را انتخاب کنیم.

۱۹- با توجه به آنچه از داستان هفت‌خان رستم می‌دانی، هر کدام از بیت‌های زیر را به تصویر مربوط به آن وصل کن.

	○ جهان دید بر شیر تاریک و تنگ	چو بیدار شد رستم تیزچنگ
	○ از آواز او دیو شد ناپدید	خورِ جادوان بُد، چورستم رسید
	○ چو آمد به گوش اندرش، آن غریب	برون آمد از خیمه ارژنگ‌دیو
	○ یکی نامجوی دلیر و جوان	بدان مرز، اولاد بُد پهلوان
	○ ز گرما و از تشنگی شد ز کار	پی اسب و گویا زبانِ سوار
	○ کزو پیل گفتی نیابد رها	ز دشت اندر آمد یکی ازدها

نگاش



۲۰- تصویر زیر را در یک بند توصیف کن.

(آزمون انشا - منطقه‌ی ۱۳ شهر تهران - فروردار ۹۲)





(آزمون انشا - منطقه ۱۲ شهر تهران - فرورد ۹۲)

۲۱- درباره‌ی موضوع زیر یک انشای زیبا بنویس.

لقمان را گفتند: «ادب از که آموختی؟» گفت: «از بی‌ادبان.»



۲۲- در هفت‌سین انشایی زیر با هفت واژه روبه‌رو هستی که باید با آن‌ها یک انشا بنویسی. چیزی که از شما می‌خواهیم یک نوشته‌ی خلاقانه است؛ نوشته‌ای که همه‌ی اجزای آن با هم هماهنگ باشد و از قوانین

زیر پیروی کند:

بین ۶ تا ۸ خط باشد.

سین‌ها را به زور در نوشته‌ی خود جای ندهی!!

آغاز و پایان متن منطقی باشد. (حتماً پایان داشته‌باشد!)

هیچ دو سینی از هفت‌سین (!) با هم در یک جمله به کار نروند.

سراب

سوسیس

ساری

سالیانه

سینه

سوزناک

سر و سامان

نگاش



۲۳- با پرس و جو از بزرگترها، در سه خط بنویس که ضرب‌المثل «شاهنامه آخرش خوش است» به چه معنی است و در چه شرایطی به کار می‌رود؟

نگاش



۲۴- کدام یک از ضرب‌المثل‌های زیر با ضرب‌المثلی که در تمرین قبل آمده است، هم‌معنی نیست؟ دلیل انتخابت را در دو خط توضیح بده.

۱. جوجه را آخر پاییز می‌شمارند.
۲. سالی که نکوست، از بهارش پیداست.
۳. پایان شب سیه، سپید است.